

کوثر جهان اسلام در تقابل مبنایی با تکاثر مادی غرب (تحلیلی بر اشتراکات مبانی غرب با جریان تکفیری)

حسین علی رضانی

دکترای مطالعات فرهنگی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر در عرصه علوم انسانی اسلامی. تهران. ایران.

dr.hr1355@gmail.com

چکیده

غرب در فرایند تفکری خویش از عرصه معنا عدول کرد و در وادی ماده متوقف شد. هستی محکوم و محدود در امر مادی، در کثرت و تغییر دائمی به سر می برد و بالطبع معرفت انسان مادی زده غرب در تغییر و نسبییت حد می خورد. کثرت در ذات ماده است و از دید اسلام، این امر خلاف جریان هستی است. وحدت بنیاد و غایت اسلام است و معرفت بی بنیاد و لاغایت، برآمده از نوع نگاه مادی و تکاثری غرب به هستی است. قراردادن انسان ها در کنار ارزش های مشترک در نظام معرفتی اسلام، نتیجه ای جز وحدت در کثرت ندارد و غرب با درک صحیح از این حقیقت اسلام، تمام هم خود را برای برهم زدن این امر به کار می بندد؛ بنابراین، اصلی ترین راهبرد اندیشه تکاثری، تجزیه امور وحدت پذیر است. این موضوع پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در غرب آسیا و قلب زمین شدت گرفت و سامانه قلبی، که دچار سکنه شده بود، باید با ایجاد جریان اختلاف و شکاف بین امور واحدی همچون دین، مذهب، نژاد، خون، مرز، زبان و غیره دوباره به حرکت درمی آمد. مذهب در دین اسلام ضمن فرصت ذاتی برای اتحاد به دلیل وجود تفسیرهای شاذ از مبادی فکری و احکام دینی، بستری مناسب برای ایجاد شکاف بین طرفداران مذاهب، به طور جعلی و عرضی قابلیت رودررو شدن با یکدیگر با نگاه افراطی و تفریطی را داشت. جهل و فقر دو بستر مناسب برای

نفوذ اندیشه‌های افراطی و تفریطی در بین طرفداران مذاهب بود و غرب برای به جریان افتادن قلب زمین و پمپاژ دوباره انرژی با ایجاد، نفوذ و گسترش جریان افراطی تکفیری تاحدودی به اهداف شوم خویش دست یافت. اسلام و غرب با قرارگرفتن در دو طیف مخالف کوثر و تکاثر، یکی با رویکرد وحدت‌گرا و دیگری با رویکرد تجزیه‌گرایانه، به موضوع تکفیر می‌نگرند و هر کدام راهبردهای خاص خود را برای این جریان فکری ارائه می‌دهند.

محقق با روش تحلیلی توصیفی ضمن توضیح و تشریح جریان افراطی و تکفیری و دو نوع نگرش کوثری اسلام و تکاثری غرب، به دنبال یافتن روش‌ها و راهبردهای غرب در ایجاد، نفوذ و گسترش اندیشه افراطی در منطقه غرب آسیا بوده است و در ادامه به راهبردهای وحدت‌آفرین اندیشه اسلام برای کم‌رنگ کردن و از بین بردن این جریان فکری اشاره خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: جریان فکری، تکفیر، وحدت، کثرت، کوثر، تکاثر.

۱. مقدمه

هویت اصلی ماده و فیزیک بر کثرت و تغییر دائمی بنا شده است. انسان پس از هبوط در عالم تکثر مادی و جسمانی، که محدود در دایره زمان و مکان است، در تغییر و شدن دائمی به سر می‌برد؛ اما خالق هستی و انسان اصل را بر ثبات و حرکت به‌سوی کمال قرار داده است. انسان در این عالم متکثر باید با اعتصام به جُلِّ المَتمینِ ثقلین و در جمعیت واحد به‌سوی خلیفه‌اللهی حرکت کند. تفرد خلاف جهت حکمت خالق هستی است، اما جریان‌های معرفتی غرب با محدودشدن در دایره ماده و جسمانیت و تحلیل همه پدیده‌ها در محدوده عالم متکثر، رو به‌سوی فردیت آورده‌اند و ضمن محکوم‌شدن در کثرت و کمیت، همه انسان‌ها را به جدایی با رویکرد تجزیه‌گرایانه و اتمیستی دعوت می‌کنند. این رویکردها در تقابل کامل با جریان فطری هستی قرار دارد.

آسیای غربی، منزل و محمل دین، با قرارگرفتن در جغرافیای انرژی اندام‌واره نظام بین‌الملل، پس از انقلاب پرشکوه ایران، از نقش تعیین‌شده خویش پافراتر نهاد و برای صدور پیام استقلال و آزادی در مقابل جریان نادرست روابط بین کشورهای برتر و بربر قرار گرفت. به‌طور قطع این موضوع به ذائقه مریض نظام سلطه خوش نخواهد آمد و برای حذف، تغییر و کانالیزه‌کردن این

جریان به نفع خود، دست به هر اقدامی خواهد زد. در این راستا غرب با سردمداری شیطان بزرگ با تمسک جستن به راهبردهای مختلف از جمله راهبرد «اختلاف انداز و حکومت کن» به اهداف شوم خود نزدیک می‌شود.

فقر اقتصادی و فرهنگی و جهل معرفتی بسترهای مناسب شیطان برای اختلاف‌اندازی بین آحاد انسان‌هاست. فقر نگرشی و فقر اقتصادی دو عاملی هستند که کشورهای غرب آسیا را تهدید می‌کنند؛ فقر نگرشی بر اثر بمباران رسانه‌ای و جنگ قدرت در بین آحاد جامعه پدیدار می‌شود و در این فقر دوست و دشمن جابه‌جا می‌شوند. در این فضا انقلاب اسلامی در منطقه رخ داد و کشورها را به استقلال و خودباوری دعوت کرد و داعیه‌دار صدور انقلاب به دیگر کشورها شد. اقتدار منطقه‌ای ایران مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و موجب بیداری جهان اسلام شده بود، اما مذهب بهترین شکاف برای نفوذ راهبردی غرب به حساب می‌آمد تا به واسطه آن حرکت پرشتاب بیداری اسلامی را کند و آن را منحرف کند و یا به نفع خود مصادره کند. در این راستا با سوارشدن بر موج فقر اقتصادی و جهل معرفتی، برخی از طرفداران مذاهب به راه‌اندازی جریان افراطی تکفیری و جنگ درون‌دینی و درون‌مذهبی در منطقه اقدام کردند. آموزش‌های ویژه، پشتیبانی اطلاعاتی و تسلیحاتی غرب برای تجهیز این سلول‌های سرطانی و تکثیر آن در بدنه مساعد پذیرای این تفکر، برنامه‌ای بلندمدت برای تجزیه کشورهای منطقه و نتیجه آن برهم خوردن سیر وحدت جهان اسلام بود.

موضوعی که نگارنده برای این منظور انتخاب کرده است، معطوف به مبانی فکری و معرفتی جریان افراطی تکفیری با اندیشه تجزیه‌گرایانه غرب و بیان اشتراکات این دو تفکر و راهبردهای مقابله با آن‌ها با رجوع به تفکر وحدت‌گرای اسلامی است. امنیت، ثبات و توسعه و پیشرفت جهان اسلام بر محور وحدت شکل می‌گیرد و اهمیت بسیاری دارد و عدم توجه به ابعاد معرفتی اختلافات درون‌دینی موجب عمیق‌تر شدن آن‌ها و از بین بردن توان و انرژی کشورهای درگیر جریان افراطی و تفریطی خواهد شد. در این میان جنگ‌های نیابتی در منطقه شکل می‌گیرد و غرب در گوشه‌ای با پشتیبانی‌های مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی ناظر گشتار مذهب‌یون توسط خودشان خواهد بود. نویسندگان سعی می‌کند با رجوع به منابع دست اول و تحلیل مبانی معرفتی جریان‌های فکری غرب با تکفیر، به وجوه مشترک آن‌ها با روشی تطبیقی اشاره کند و در ادامه با بیان عوامل وحدت‌آفرین، که بین مذاهب مختلف اسلامی اشتراک ماهوی دارند، در مقابل رشد تفکر افراطی قرار گیرد.

۲. تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق

واژه‌ها وسیله‌هایی هستند که به انسان‌ها در فهم مسائل کمک می‌کنند و به آن‌ها را قادر می‌کنند که سخن یکدیگر را بفهمند و با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در اهمیت جایگاه واژگان و تفاهم در خصوص کلیدواژه‌ها همین نکته بس که «از کنفوسیوس پرسیدند برای رهایی از موقعیتی مشنوم چه تدابیر عاجلی باید اندیشید؟ او این جواب حیرت‌آور را داد: باید کاری کرد که واژه‌ها در معنای درست خود به کار روند... وقتی زبان آشفته شود، همه چیز دچار آفت می‌شود» (یاسپرس، ۱۳۶۳: صص ۴۶-۴۷)؛ از این رو، جهت انتقال بهتر مطالب و کمک به فهم بیشتر ابتدا به بررسی کلیدواژه‌های نوشتار می‌پردازیم.

۱-۲. پدیده

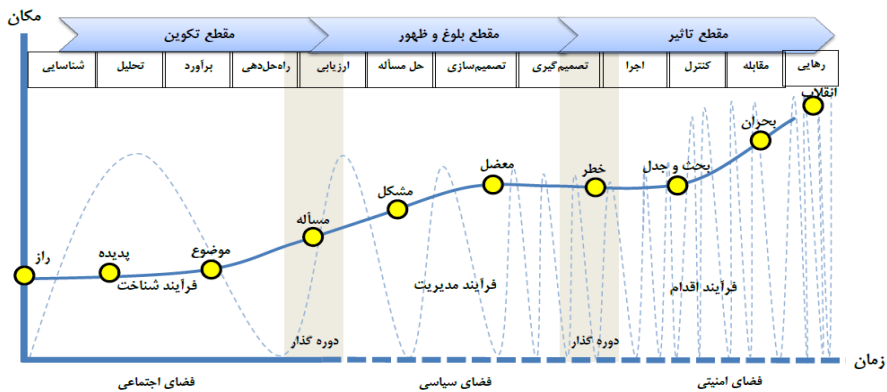
پدیده جریانی تکفیری در حوزه پدیدارشناسی قابلیت تحلیل و بررسی دارد. پدیده عبارت است از اتفاقات اجتماعی پیرامونی که آثاری را به همراه دارند؛ این اتفاقات قابل درک و دارای هویت مشخص هستند. پدیده‌ها اصولاً آن هنگام که از ذات (درون) خود خارج شوند و به حالت یک اثر^۱ در بیرون نمود^۲ پیدا کنند قابل شناسایی هستند (ایران‌پناه، ۱۳۸۵: ص ۲۹۹). پدیده به معنای هرگونه دلالت، نماد، نشانه و سمبل در بنیاد صوری خویش معرفی می‌شود (هایدگر، ۱۳۸۰: صص ۷۶-۷۸). واژه «Phenomenon» از ریشه یونانی «Pheinein» گرفته شده است و به معنای نمایش دادن و نشان دادن است و آن را پدیدارشناسی نیز ترجمه کرده‌اند. واژه «Phenom-enon» در فرهنگ و بستر به معنای یک شیء یا یک جنبه و نمود^۳ شناخته شده از طریق حواس، نه از طریق تفکر، آمده است (پرتوی، ۱۳۸۷: ص ۱۷).

در اصطلاح، پدیدارشناسی عبارت از مطالعه پدیدار است. پدیده یعنی آن چیزی که پدیدار و آشکار و هویدا می‌شود (دارتینگ، ۱۳۷۶: ص ۳). پدیدارشناسی منحصرراً به ساختارها و فعالیت‌های آگاهی بشر می‌پردازد و پیش‌فرض اصلی آن این است که دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم در آگاهی ما خلق شده است و دنیای خارج با اینکه وجود دارد، فقط از طریق آگاهی ما

1. effect
2. phenomenon
3. aspect

معنا پیدا می‌کند (کرایب، ۱۳۸۱: ص ۱۲۴).

پدیدارها هویتی تکوینی دارند و از یک نقطه شروع می‌شوند، به مرور رشد می‌یابند و ماهیت‌های جدیدی به خود می‌گیرند. پدیده‌ای مانند جریان افراطی تکفیری در سطح بحران عمل می‌کند؛ بحرانی که منطقه آسیای غربی را درگیر کرده است. ماهیت جریان تکفیری در ذات خود با جریان معارض همراه است، سطح موضوعات به سمت مسائل، مشکل، معضل، خطر، بحث و بحران تمایل دارد. آسیب‌های درونی به همراه تهدیدهای بیرونی سرعت این پدیده‌های امنیتی را برای رسیدن به مرحله بحران بیشتر می‌کند. آسیب‌هایی چون فقر اقتصادی و جهل معرفتی موجب تراکم و هم‌افزایی بین تهدید تکفیر با مسائل امنیتی می‌شود.



شکل ۱. فرایند رشد پدیده‌های اجتماعی - امنیتی

اصولاً پدیده‌هایی مانند تکفیر که بعد ایدئولوژیک دارند و بر تفکر و اعتقادات کنشگر نظر دارند، در سطوح پایین پدیداری مانند موضوع و مسئله قرار نمی‌گیرند و در اولین برخورد در سطح مدیریت و اقدام باید مورد تحلیل پدیدارشناسانه قرار گیرند. پدیده مورد بحث در سه مرحله تکوین اجتماعی، ظهور سیاسی و تأثیر امنیتی طبق مدل فرایند بالا نمود و بازنمودهای خاص خود را می‌گیرند که در زیر به آن‌ها اشاره‌ای مجمل خواهد شد.^۱

الف- سطح ارتباط غیر مؤثر تهدیدها و آسیب‌ها: از این حیث یک رخداد می‌تواند

۱. این بخش از مقاله خلاصه‌ای از مبحث کالبدشکافی پدیده‌های اجتماعی به همراه اندکی دخل و تصرف از کتاب کالبدشکافی تهدید (افتخاری، ۱۳۸۵: صص ۲۵-۴۵) است.

در دو موقعیت اصلی قرار گیرد:

- وقایعی که ارتباط آشکاری با ملاحظات امنیتی ندارند و در ارتباطی غیرمستقیم قرار دارند؛ در این وضعیت واژه «موضوع»^۱ به‌مثابه نخستین تجلی عینی یک پدیده (در مرحله تکوین)، کاربرد دارد.

- وقایعی که در ارتباط آشکاری با منافع ملی هستند و دخل و تصرف در آن‌ها به‌مثابه عاملی مؤثر ارزیابی می‌شود؛ شاخص برجسته این تحولات آن است که ارتباط در سطح ذهن باقی نمانده و به فعلیت درآمده است. این پدیده‌ها با توجه به شاخص‌های بعدی رتبه‌بندی و عنوان‌گذاری می‌شوند.

ب- سطح ارتباط مؤثر تهدیدها و آسیب‌ها: از این حیث، پدیده‌های مرتبط در اشکال زیر قابل تعریف هستند؛ رخدادهایی که با توجه به توان متعارف و در چهارچوب ضوابط حاکم قابل مدیریت هستند. در این موارد عنایت به میزان هزینه‌ای که بازیگر باید پردازد، به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود:

- مواردی که با هزینه‌ای اندک مدیریت می‌شود و وضعیت به‌صورت عادی (وضعیتی که از آن به موضوع یاد شد) باز می‌گردد؛ در این وضعیت عنوان «مسئله»^۲ کاربرد دارد.
- مواردی که با هزینه بالا مدیریت صورت می‌گیرد؛ در این وضعیت واژه «مشکل»^۳ به‌کار می‌رود.
- رخدادهایی که با تمهیدات متعارف قابل مدیریت نیستند و متضمن اصلاح در چهارچوب قانونی و یا سیاست‌های متعارف مسئولان امنیتی هستند؛ از این قبیل رخدادهای با واژه «معضل»^۴ تعبیر می‌شود.

ج- سطح ارتباط مخرب تهدیدها و آسیب‌ها: از این حیث، شیوع یک موضوع و حساسیت اذهان جامعه (اعم از نخبگان یا عامه مردم) برای رده‌بندی تهدیدها اهمیت بسیاری دارد. از این منظر حالات سه‌گانه زیر قابل تمییز است:

- پدیده‌هایی که دارای شیوع گفتمانی با علائم رفتاری و میزان تعارض اندک است و از آن‌ها

1. subject
2. issue
3. problem
4. problematic

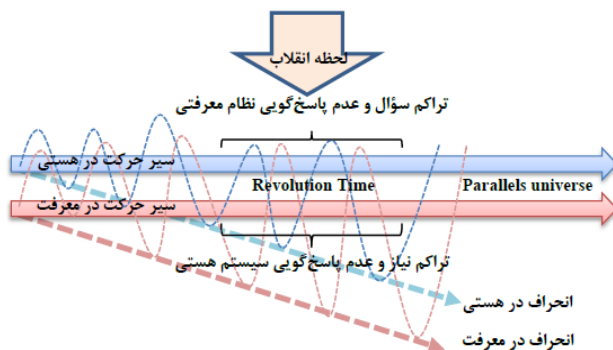
به «خطر»^۱ تعبیر می‌شود.

- پدیده‌هایی که دارای شیوع گفتاری با علائم رفتاری زیاد و تولید تعارض اندک هستند و از آن‌ها به «بحث»^۲ تعبیر می‌شود.
- پدیده‌هایی که دارای شیوع گفتاری، علائم رفتاری و تولید تعارض زیاد هستند و از آن‌ها به «بحران»^۳ تعبیر می‌شود.

در نگاه اولیه در تقسیم‌بندی پدیده‌ها، جریان افراطی تکفیری در سطح بحران منطقه‌ای فرض می‌شود که همراه با شعارهای تند و علائم رفتاری خشونت‌آمیز و نیز ایجاد تعارض بین آحاد مذهبی شکل می‌گیرد و به حیات خود ادامه می‌دهد.

بستر مناسب جهل در تفکر گذشته‌گرای سلفی و افراطی وهابی و فقر اقتصادی کشورهای مسلمان از جمله عوامل اساسی برای شکل‌گیری جریان تکفیری و اختلاف بین مذاهب دین اسلام در منطقه آسیای غربی محسوب می‌شود.

در دسته‌بندی ارائه‌شده از پدیدارشناسی جریان تکفیری، شاید این‌گونه بیان شود که جریان تکفیری به علت انباشت سؤالات معرفتی و جهل به مبانی عقلانی دین به همراه نیازهای مادی که بدون پاسخ محیط است و نتیجه آن انباشت نیازها و در نتیجه فقر شده است، این دو عامل توأمان جریان تکفیری را از مرحله بحران به سمت انقلاب محیطی سوق می‌دهد.



شکل ۲. فرایند شکل‌گیری انقلاب

1. danger
2. debate
3. crisis

۲-۲. جریان تکفیری

جریان تکفیری در سیر خطی دارای یک هندسه^۱ منسجم داخلی است که در بُردار زمان، شکلی نامتجانس از دین اسلام را به نمایش می‌گذارد. تکفیر از کفر به معنای پوشاندن گرفته شده است (جوهری، ۱۴۱۰ق: ص ۸۰۸) که عموماً با نگاه گذشته‌گرایانه به تمدن اسلامی در سیر تاریخ، معنایی منحرف ارائه می‌دهد و سلفی‌گری ریشه اصلی شکل‌گیری افراط در رد و تأیید کنشگران دینی محسوب می‌شود. سلفی در معنای اول در مورد کسانی است که مدعی‌اند در اعتقادات و احکام فقهی باید به سلف صالح اقتدا کرد (البوطی، ۱۳۷۵: ص ۲۵۶). طرفداران این دیدگاه آثار باقیمانده از تاریخ صدر اسلام مانند خانه‌های ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و اصحاب و مساجد را تخریب کردند و در حمله به مدینه کتابخانه اسلامی آن را به آتش کشیدند (السعید، ۱۳۶۰: صص ۴۸ و ۵۱).

آبشخور فکری جریان‌های افراطی به وهابیت می‌رسد. وهابیت مسلمانان شیعه را به دلیل شفاعت خواهی و توسل و زیارت قبور اولیاء الله متهم به شرک و کفر می‌کرد و ریختن خون آنان را واجب می‌دانست (سبحانی، ۱۳۸۸: ص ۳۵). از دیدگاه وهابیت، توحید بر دو نوع الوهیت و ربوبیت است و در توحید الوهیت فقط به پرستش خدا قائل است و نباید هیچ‌کس را با او در پرستش مشارکت داد (آل شیخ، ۱۴۱۲ق: صص ۲۴ و ۱۱۰). این فرقه معیار کفر و ایمان را در کتاب کشف الشبهات چنین معرفی می‌کند: «خلافی نیست که توحید باید به قلب، زبان و عمل باشد و اگر خللی در هر یک از این‌ها وارد شود، انسان مسلمان نیست» (التمیمی، ۱۳۷۵ق: ص ۱۸۳). «زهادی»، که یکی از علمای اهل سنت است، در رابطه با وهابیت چنین می‌گوید: «اگر کسی سؤال کند وهابیت از چه مذهبی پیروی می‌کند و هدف نهایی آن چیست؟ در جواب هر دو پرسش می‌گوییم تکفیر تمام مسلمانان» (مالکی، ۱۳۷۸: ص ۱۸۳).

ازسوی دیگر، ابن تیمیه نیز به‌عنوان سردمدار جریان تکفیری عمل کرده است و دیدگاه‌های افراطی او موجب شکل‌گیری اختلاف‌های عمیقی در بین مذاهب مختلف اسلامی شده است. از نظر او، ایمان به شرط عدم معارض عقلی، ایمان واقعی نیست، بلکه ایمان واقعی زمانی ایجاد می‌شود که شخصی سخن پیامبر را، حتی اگر مخالف عقل باشد، بپذیرد (ابن تیمیه، ۱۹۷۱، ج ۱:

۱. هندسه (geometry) به‌عنوان شاخه‌ای از علوم ریاضی به معنای قرارگرفتن عدد در دو بعد فضا و مکان تعبیر شده است (هلزی هال، ۱۳۶۹: ص ۴۳).

ص ۱۷۸). ابن تیمیّه با تأکید فراوان بر این عقیده خود می‌گوید: «چگونه می‌توان گفت مردم زمان رسول خدا از جوجه فیلسوفان (افراخ المتفلسفه) و پیروان هند و یونانیان و مجوس و مشرکان و یهود و نصارا و صابئین کمتر می‌دانسته‌اند و این طوایف آگاه‌تر از اصل قرآن و ایمان بوده‌اند» (ابن تیمیّه، ۱۴۳۰ق: صص ۱۹۷-۱۹۳). از نظر او ایمان به خدا و آخرت برای مسلمان بودن کافی است و از همین رو، شیعه را نیز جزء امت مسلمان به حساب می‌آورد. اگرچه در برخی از آثارش، شیعه را مورد حمله قرار می‌دهد و حتی زائر امام حسین را گناهکار و مشرک معرفی می‌کند، سعی می‌کند خود را از اتهام تکفیر مسلمانان مبری کند (باقی، ۱۳۹۳: ص ۸۳)؛ اما جریانی که با نگاه یک‌سویه خود را محقّ می‌داند و دیگر جریان‌های فکری و مذهبی را، با صفت ارتداد، تکفیر می‌کند و برای احیای حکومت به اصطلاح اسلامی دست به هر اقدامی می‌زند، از منظر اسلام رد می‌شود.

۲-۳. تفرقه و تکاثر در اسلام

تفرقه در لغت به معنای جدایی، تفرقه و پراکندگی است (آذرنوش، ۱۳۷۹: ص ۵۰۴). تجزیه و جداجدا شدن اجزای یک سیستم به معنای تفرقه و اختلاف است. تفرقه گاه درونی و اختیاری است و گاه بر اثر فشار بیرونی شکاف سیستمی حاصل می‌شود؛ بنابراین، پراکنده کردن، پراکنده شدن، پراکنده و جداجدا کردن چیزی، جدایی و پراکندگی از جمله تعاریف لغوی تفرقه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ص ۶۸۴۸). همچنین، واژه «اختلاف» در لغت، نقیض اتفاق، به معنای ناسازگاری، با یکدیگر خلاف کردن، نزاع، منازعه و تنازع بیان می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۱۵۱؛ آذرنوش، ۱۳۷۹: ص ۱۷۹). منحرف شدن از مسیر اسلام می‌تواند عامل مهمی در ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه باشد (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۱).

بررسی فرق مختلف اسلامی نشان می‌دهد، بروز و ظهور مکاتب در طول تاریخ اسلام، از اختلاف‌هایی نشئت گرفته است که حول محور «نقل و عقل» پدید آمده است. این خصوصت‌ها، موافقت‌ها و مخالفت‌ها، عمدتاً پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علی‌وآله‌وسلم) و گذشت یک قرن به منصب ظهور رسید. مسلمانان در زمان پیامبر، با تکیه بر وجود مقدس رسول خدا (صلی‌الله‌علی‌وآله‌وسلم) و پذیرش قرآن به‌عنوان یک امر قدسی، از هرگونه اختلاف پرهیز می‌کردند. فضای دوران پیامبر و خلفای اربعه، فضای «استماع و تسلیم» بود (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ص ۱۰۵)، اما در سیر تاریخ جهان اسلام با فراز و فرودهایی مواجه شد و وحدت به دلیل شرایط پیرامونی و آسیب‌های درونی دچار خلل شد. برای نمونه شکستی که مسلمانان در یک

بازة تاریخی در اوج تمدن و اقتدار در سطح جهان قرار داشتند و دوره عثمان و امپراتوری عثمانی را قلۀ اسلام و جنگ‌های صلیبی را عامل شکست و فروپاشی امپراتوری اسلام می‌دانند. جریان تکفیری معتقد است که چاره اصلی رسیدن به آن تمدن گذشته بازگشت به ارزش‌های حاکم در دوره عثمانی است. این تشخیص طرفداران زیادی در خاورمیانه دارد؛ یعنی بازگشت به گذشته پرافتخار اسلامی و احیای خلافت و مبارزه با دارالکفر برای جلوگیری از سلطه صلیبی‌ها (سید قطب، ۱۳۸۸: ص ۴۲). اختلاف جریان تکفیری با شیعیان به جز موضوع مذهب، به هویت فارس و عرب نیز برمی‌گردد؛ بدین ترتیب، عنصر پان‌عربیسم، که در نسل دوم القاعده در عراق ریشه دارد، در گفتمانی ضدایرانی و ضدشیعی گسترش پیدا کرده است.

۲-۴. وحدت و کوثر در اسلام

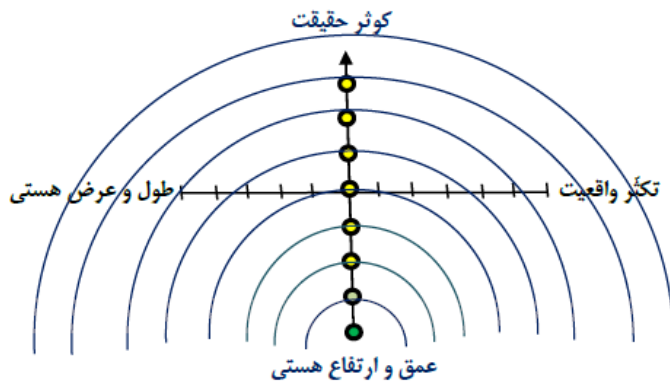
«کوثر»، بر وزن «فوعل»، وصفی است که از «کثرة» گرفته شده و به معنای «خیر کثیر و فراوان» است (ازهری، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰: ص ۱۰۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ص ۳۴۸). گستره معنایی این واژه چنان وسیع و جامع است که مصادیق بی‌شماری از جمله «خیر بی‌نهایت» را نیز می‌تواند شامل شود (راغب اصفهانی، ۱۴۲۹ق: ص ۷۰۳). وحدت و کوثر وحدت آثار و برکات زیادی در جهان اسلام به همراه خواهد داشت. وحدت در این نوشتار به مثابه کوثر وجودی فرض شده است که جوهره هستی دایر مدار آن است. منشأ هستی از امری واحد شکل می‌گیرد و به سوی امری واحد در حال حرکت است. جریان متکثر و مادی به دنبال تجزیه کردن وجود است و این موضوع در تقابل نگاه فطری و جوهری هستی است.

حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) به‌عنوان یکی از معصومان (علیهم‌السلام)، به نقش وحدت در جامعه و ضرورت وجود آن به‌خوبی واقف بود. به یقین می‌توان گفت که ایشان در همه ابعاد زندگی کوتاه، اما با برکتشان، به احیای اوامر خداوند و آموزه‌های اصیل مکتب اسلام و اعتصام به حبیب‌الله اهتمام جدی و مؤثری داشت (نحوی، ۱۳۸۶: صص ۲۲۶-۲۲۷). وحدت موجب انسجام دورنی و پایین آمدن میزان ضربه‌پذیری سیستم می‌شود. دشمنان اسلام دشمنان هر دو مذهب هستند. در برابر این دشمنان و برای جلوگیری از سوءاستفاده آنان از اختلافات، باید در مقابل آن‌ها بر وجوه اشتراک خود تکیه کرد تا بتوان در برابر دشمنان اسلام، که دشمن مشترک شیعه و سنی هستند، از خود دفاع کرد (پیغان، ۱۳۸۰: ص ۲). در این بین، در ابعاد مختلف بشری، بعد سیاسی عامل اصلی تبیین اشتراکات و یا افتراقات بین مذاهب درون‌دینی اسلام محسوب می‌شود و به‌درستی باید

بیان کرد که سیاست سبب جدایی شیعه و سنی شد که همان نیز باید سبب اتحاد شیعه و سنی شود (شرف‌الدین، ۱۳۸۵: ص ۸).

۳. وجوه اشتراک مبنایی در دو رویکرد تکاثری و جریان تکفیری

ذات و جوهره انسان‌ها بر حرکت در سیر حقیقت و طریقت بنا نهاده شده است. اتحاد وجودی بین علم، عالم و معلوم در اندیشه اسلام قابل جمع شدن است. عالم هستی در نگاه علم‌زده مادی دارای طول و عرض زمان و مکان و در نگرش عارف بالله دارای عمق و ارتفاع بی‌نهایت است. تشکیکی دانستن عوالم هستی موجب می‌شود که انسان از نگاه تکثرگرایانه میل به وحدت و عالم توحید پیدا کند.



شکل ۳. حقیقت در سیر کوثری و تکاثری

ویژگی‌های عالم ماده بر روی زمان و مکان و تغییر دائمی استوار است: «... مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (ابراهیم: ۲۶). این جهان انسان را به سوی پلورالیسم و تکثر دعوت می‌کند؛ چراکه به صورت عرضی بر اساس ناظر و فاعل شناسا به پدیدارها نظر می‌افکند و به تعداد وجود همه انسان‌ها برداشت‌های مختلفی از یک پدیده به وجود می‌آورد و نگاه تکثرگرایانه در فرایندی افراطی منجر به اصل نسبیت در همه زوایای وجودی انسان می‌شود. این همان نقطه مشترک مبنایی جریان تکفیری با اندیشه غرب است که بیان می‌دارد هیچ امر مطلق و واحدی در عالم نیست. نسبیت در عالم هستی منجر به تکاثر در حوزه معرفتی و محقق و برتر دانستن خود بر دیگران در جریان تکفیری شده است. در این عصر انسان در خسران به سر می‌برد؛ خسرانی که از منیت و زیاده‌خواهی‌های بی‌حد و

حصر برآمده است. نتیجه خودخواهی چیزی جز تعرض، تعدی و تجاوز به حقوق اولیه انسان‌های دیگر نخواهد بود؛ انسان‌هایی که افسار وجودی و خواسته‌ها و امیالشان را در اختیار نفس متکثر و زیاده‌خواه قرار داده‌اند، لاجرم محکوم به ظلم بر خود و دیگران خواهند بود. انسان‌های عصر حاضر که از ثقل عدالت رها شده‌اند و در مدار آشوب‌زده خواسته‌های نفسانی آن به آن سرگردان هستند، از وحدت فطری به کثرت طبیعی مایل شده‌اند. منفعت‌طلبی اصل اساسی تمام معادلات بشری خواهد بود. نسبت‌سنجی‌ها، نه براساس قانون، عدالت، حق، تکلیف و یا شرع، که براساس منیت و نفسانیت‌ها شکل می‌گیرد. جریان حرکت انسان‌ها در عصر حاضر خلاف حکمت خلقت و فطرت و بر پایه خرد خودبنیاد طبیعت و غریزه که برآمده از بُعد کالبدی و حیوانی انسان‌هاست، تغییر جهتی تا بی‌نهایت دارد. بازگشت انسان جز با رجوع به لوح سفید و پاک وجودی خویشتن خویش و قرارگرفتن در مسیر ایمان و عمل صالح امکان‌پذیر نخواهد بود. برتری طبیعت بر فطرت نتیجه‌ای جز درندگی ندارد. ظهور و بروز این ددمنشی سنتی دیرینه در بعد نفسانی از غرور شیطان در داشتن نار مسموم نسبت به دارایی آدم آغاز شده است و تا قیامت ادامه خواهد داشت.

نماد و نمود شیطان و منیت در عصر خسران انسان‌ها امریکای سلطه‌گر و ایادی دست‌نشانده‌اش، غرب، با رویکرد طبیعی و حیوانی است. شیطان بزرگ برای شیوع فرهنگ مادی از هر حربه‌ای بهره می‌جوید. حربه‌های این شیطان در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، اطلاعاتی، زیستی و حتی علمی، چه به صورت مجزا و چه به صورت ترکیبی و هوشمند علیه هر جریان فکری که «با او نباشد» به کار گرفته می‌شود. او خود را قدرت بلامنزاع و برتر در نظام بین‌الملل تعریف می‌کند و در برابر این برتری جویی هیچ کشوری را یارای تقابل با آن نیست، مگر کشوری که داعیه‌دار حکومت و نظامی است که خلاف نگاه مادی و حیوانی او عمل کند. جریان اسلام ناب در برابر جریان غالب اباحه‌گری^۱ با شعار رعایت «حدود الهی» قد علم کرده و به دنبال تشکیل حکومت و نظامی با محوریت ولایت فقیه است. فرهنگ اسلام از لایه باوری، ارزشی، هنجاری، ساختاری و قوانین گرفته تا سبک و سیاق زندگی کاملاً در مقابل و رودرروی غرب قرار دارد. جریان فکری اسلام دارای جهان‌بینی منطقی است و غرب پس از انقلاب اسلامی در منطقه آسیای غربی احساس خطر کرده است. بهترین راهبرد برای برهم‌زدن انسجام درون‌سیستمی جهان اسلام و جلوگیری از پیشروی جریان بیداری اسلامی در منطقه آسیای غربی ایجاد شکاف و

اختلاف درون‌دینی بود. جریان تکفیری مانند ویروس‌های سرطانی بر جهل معرفتی و فقر زیستی عوام سوار شد و به تکثیر سلولی پرداخت و به توده‌ای در منطقه تبدیل شد که نیاز به جراحی آن از دید اکثر اندیشمندان امنیتی امری ضروری می‌نمود.

دشمن قسم‌خورده با اغواگری دائمی، سوار بر آسیب نفسانیت برخی از جریان‌های افراطی و تفریطی، ارگان و بدنهٔ اسلام را که باید تحت لوای وحدت ولایت، شکلی متحد به خود می‌گرفت، متکثر کرد و راهبری واحد هستهٔ عقلانیت ولایت را با راه‌اندازی جریان‌های هوس‌آلود موازی مانند تکفیر به کثرت تصمیم‌گیری رساند. غرب با مبنای تکاثری به دنبال ایجاد شکاف بین اجزای سیستم اسلام است. آن‌ها به جای فکر در مورد وحدت، باید اختلاف‌های مسلمانان را زیاد کنند و نزاع شیعه و سنی و درگیری‌های قومی، زبانی، ملی و مذهبی را افزایش دهند، زیرا استعمار انگلیس برای حفظ موقعیت خود و استعمار مسلمانان باید وحدت مسلمانان را از بین ببرد تا بتواند بر آنان سلطه یابد (هامفری، ۱۳۸۶: صص ۴۰-۳۸).

غرب برای رسیدن به هدف خود بر اصل «اختلاف» نظر دارد و در مقابل هرگونه وحدت می‌ایستد. با ایجاد جریان نفسانی منیت و سهم‌خواهی اجزای سیستمی کشورهای اسلامی به دنبال تجزیه کردن آن‌ها برمی‌آید و اجزا را نه در تعامل با یکدیگر که در تقابل هم قرار می‌دهد. دو و چند قطبی شدن نتیجهٔ این فرایند خواهد بود و با ظهور جریان‌های موازی باید منتظر تکثیر قدرت در سطح به‌جای تمرکز در ارتفاع و عمق بود. کندشدن جریان بیداری اسلامی و عدم شکل‌گیری وحدت جهان اسلام برایندهٔ تشتت آرا و عدم هم‌راستایی انرژی اجزای سیستمی کشورهای مسلمان منطقه، به‌جای تراکمی که انفجار عظیمی را ایجاد کند، موجب خودخوری سیستمی و از بین بردن توان درونی شده است.

ایجاد تفرقه بین مسلمانان از خواسته‌های دیرینهٔ مخالفان اسلام توسط دولت‌های استکباری است و جلوه‌های گوناگونی از جمله اختلاف شیعه و سنی، اختلاف قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون، اختلاف مردم و حاکمان اسلامی، اختلاف مسئولان با یکدیگر و اختلاف گروه‌های گوناگون نظامی دارد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ص ۹۶). امریکا و ایادی او در غرب در قلب زمین، دست به هر کار و دسیسه‌ای می‌زنند. آن‌ها برای تغییر رفتار مسلمانان، به‌ویژه جریان حزب‌الله و مقاومت، از هر راهبردی بهره می‌جویند. راهبردهایی از جنس تفرقه، بحران، حذف فیزیکی، ترور شخصیت، جنگ نیابتی، جنایت، دگردیسی، نفوذ، نفاق، شکاف و غیره در ابعاد و حوزه‌های مختلف که به مرور می‌تواند رویکرد مقاومت سیستم را از درون تغییر دهد و ضمن جابه‌جایی

ارزش‌ها موجب شیوع بیماری تساهل و تسامح در برخورد با شیطان و شیطنت‌هایشان شود. فشار بیرونی در سیستمی که دارای انسجام نباشد، منتج به شکاف و شکست درونی خواهد شد. ایجاد شکاف و اختلاف همان هدف غایی غرب در منطقه بوده و هست.

امام خمینی (رحمة‌الله علیه) عدم اتحاد میان مسلمانان را یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات دانسته است (همان) و ضمن هشدار به این معضل سیاسی و اجتماعی، مسلمانان دنیا را از تفرقه برحذر می‌دارد (همان، ج ۱: صص ۳۳۴ و ۴۱۳؛ ج ۳: صص ۳۱۹ و ۴۱۲؛ ج ۵: ص ۵۱۶ و نیز ج ۶: صص ۸۴-۸۳).

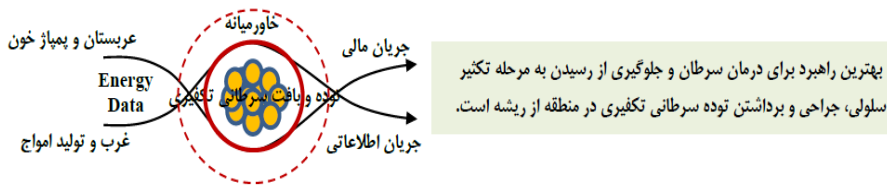
تفرقه و راهبرد تکاثر غرب در جهان اسلام آثار سوئی به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به ضعف در برابر تهدیدهای بیرونی اشاره کرد. تکثر قوا منجر به عدم تمرکز می‌شود و میزان آسیب‌پذیری یک کشور را بالا می‌برد. سهم هر ملتی از بقا و نیرومندی به اندازه وحدت و یگانگی آن ملت بستگی دارد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۱ ق: ص ۱۹۰ و موثقی، ۱۳۷۵: ص ۳۲۵) و اگر وحدت نداشته باشند، از بین خواهند رفت. اسدآبادی کشنده‌ترین درد جهان اسلام را اختلاف و تفرقه می‌داند و اذعان می‌دارد که مسلمانان «اختلاف دارند بر اتحاد و اتحاد دارند بر اختلاف» (شرفی، ۱۳۷۲: صص ۶۶-۶۷). اقبال لاهوری نیز یکی از عوامل بدبختی مسلمانان را پراکندگی و تفرقه آنان می‌داند (ستوده، ۱۳۶۵: ص ۱۳۱).

نقش قرآن، به‌عنوان کتاب کوثر و وحدت، در بین آحاد و متن اجتماع بشری، به‌ویژه مسلمانان، به‌جای قرارگرفتن در حاشیه و عرصه‌های خصوصی انسان‌ها، می‌توانست راه‌گشای خوبی برای این همه افتراق بین مذاهب بشری باشد. در نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی، مهجوریت آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن باعث از بین رفتن وحدت و ایجاد فرقه‌گرایی، نزاع مذهبی و تفرقه میان مسلمانان و تکه‌تکه شدن سرزمین‌های اسلامی شده است (مطهری، ۱۳۹۱: ص ۳۰؛ موثقی، ۱۳۷۵، ج ۱: صص ۳۰۹-۳۰۸). کواکبی نیز ایجاد تفرقه میان مسلمانان و اختلاف بین علما را از پیامدهای مهجوریت قرآن قلمداد می‌کند (امین، احمد، بی‌تا: ص ۲۷۵).

۴. راهبردهایی برای وحدت بین مسلمانان

در حوزه تدوین راهبرد ابتدا باید به رفع و دفع جریان تکفیری در منطقه آسیای غربی با رویکرد جراحی و ریشه‌کن کردن آن نظر افکند. جریان تکفیری با حمایت مالی عربستان سعودی و تولید و تکثیر اطلاعات از سوی غرب، به سردمداری امریکا، به حیات و انتشار خود در منطقه ادامه

می‌دهد و در صورت باقی ماندن بخشی از اندیشه این توده‌های سرطانی در منطقه، باید منتظر رشد و بازاحیای آن در زمان‌های مختلف بود.



شکل ۴. فرآیند شکل‌گیری توده سرطانی در نظام بین‌الملل

معادله معروف در تبیین راهبرد معادله‌ای است که مؤلفه‌های متغیر تابعی از آن‌ها باشد که عبارت است از:

$$S = A_s + G_s + W$$

W= Ways

A_s= Available source

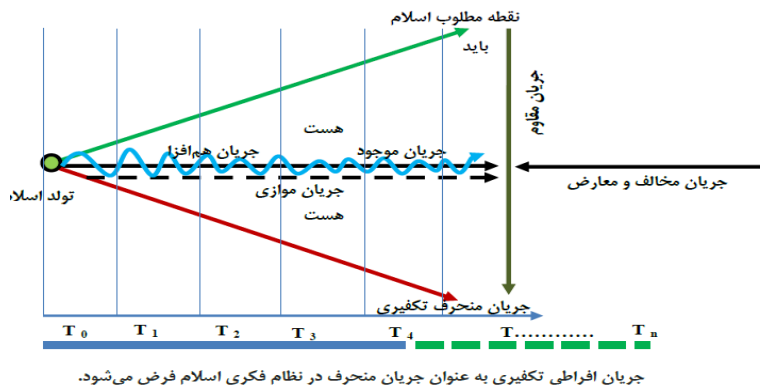
G_s= Goals set

S= Strategy

بر این اساس، راه‌های بهره‌گیری از منابع موجود برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده را راهبرد می‌گویند.

در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، سیستم‌های مخالف و معارض شروع به ایجاد جریان‌های مختلف می‌کنند. جریان وضع موجود الزامی بر صحت مسیر ندارد. در برابر جریان وضع موجود اسلام، جریان منحرف افراطی تکفیری سعی در انحراف حرکت اسلام به ناکجاآباد دارد. جریان مقاوم یا همان جریان سدلکننده به دنبال کندکردن حرکت پرشتاب اسلام برمی‌آید و موجب هدررفت منابع و امکانات به‌ویژه زمان می‌شود. در سوی دیگر، جریان‌های مخالف و معارض نیز برای متوقف کردن حرکت پرشتاب اسلام و بیداری اسلامی در منطقه آسیای غربی دست به کار می‌شود. آن‌ها برای از بین بردن جریان بیداری اسلامی از هر دسیسه‌ای بهره خواهند برد. اسلام برای رسیدن به مطلوب‌ها و بایسته‌ها باید از عرصه هست‌های موجود عبور کند. ایستادگی بر نظریه بیداری اسلامی در منطقه و وحدت امت اسلامی انعطاف‌پذیری در برابر متغیرهای محیطی

و ثبات قدم در حفظ ارزش‌ها و اصول بنیادین اسلام سه ضلع حرکت مداوم جریان حقیقی اسلام از وضع موجود به سمت وضع مطلوب است.



شکل ۵. جریان انحرافی تکفیر در اسلام

محقق در ادامه برخی از راهبردهای پیشنهادی جهت ایجاد وحدت کوثر و شکل‌گیری جبهه واحد در مقابل نفوذ اندیشه متکثر غرب و سه ضلع اصلی وحدت که عبارت‌اند از روی آوردن به وحدت فرهنگی، رعایت اصل عدالت و گردش حول محور ولایت را بیان می‌دارد.

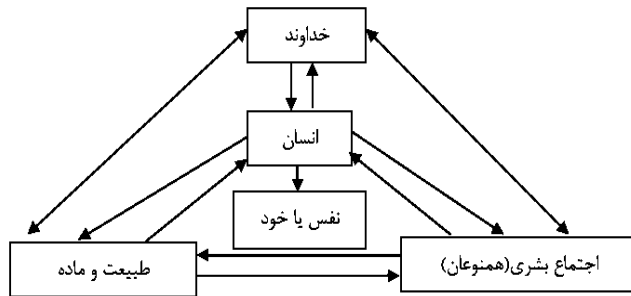
۴-۱. فرهنگ اسلام؛ مبنایی برای شکل‌گیری وجوه کوثری

«فرهنگ واژه مرکب است و از نظر لغوی به معنی بالا کشیدن، برکشیدن و بیرون کشیدن است» (روح‌الامینی، ۱۳۶۵: ص ۱۱). در کلی‌ترین مفهوم و تعریف از فرهنگ،^۱ می‌توان فرهنگ را کل پیچیده از خصیصه‌های متمایز روحانی مادی، فکری و عاطفی دانست که ویژگی‌های یک جامعه یا گروه اجتماعی به‌شمار می‌آیند و نه تنها هنر و ادبیات، شیوه‌های زندگی و حقوق اساسی انسان‌ها، بلکه نظام ارزشی و نسبت‌ها و باورها را نیز دربر می‌گیرد. فرهنگ است که به انسان این توانایی را می‌بخشد که خود تأمل کند و به‌طور مشخص به موجودی تبدیل شود که شایسته نام آدمی است؛ یعنی موجودی خردگرا و برخوردار از وجدان اخلاقی. انسان از طریق فرهنگ، ارزش‌ها [مبانی] را بررسی می‌کند و از میان آن‌ها انتخاب می‌کند. انسان به‌واسطه فرهنگ خود را بیان می‌کند،

از خود آگاه می‌شود و می‌فهمد که موجودی ناقص است (اجلالی، ۱۳۷۹: ص ۱۳). انسان‌ها کنشگران اجتماع و موجد شکل‌گیری فرهنگ‌ها هستند. انسان در رویکردها و جهان‌بینی‌های مختلف هویت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. این تعاریف از انسان موجب تفاوت در سطوح و لایه‌های فرهنگ در دید اندیشمندان می‌شود. برای نمونه نسبییت‌انگاران ماهیت یگانه‌ای را برای انسان‌ها ثابت نمی‌دانند؛ آنان می‌پندارند که انسان‌ها مانند صفحه سفیدی هستند. «روان‌شناسان و جامعه‌شناسان امروز مایل‌اند انسان را لوح سفیدی به‌شمار آورند که هر فرهنگ و متن خود را بر آن حک می‌کند؛ اگر چه منکر یگانگی نوع بشر نیستند، اعتقادشان به این یگانگی در حقیقت عاری از محتواسست» (فروم، ۱۳۷۹: ص ۵۳).

حال باید پرسید آیا انسانی که در نگاه غربی محور عالم قرار گرفته است و فرهنگ مادی، که پیرو آن شکل می‌گیرد، انسان را در حیطه ماده و طبیعت تعریف می‌کند و یا عالمی دیگر را نیز برای آن متصور است؟ آیا انسان منقطع از عالم دیگر و غیب و خدای خالق شارع است یا نه، وصل به عوالم دیگر است؟ با نگاه و رویکردی دیگر، انسان محور کائنات است و بهانه خلقت و در محضر خدا ضمن قائل بودن به عالم شهود به غیب نیز نظر دارد؟ این انسان منقطع از خدا نیست و به وجود روح و دین به‌عنوان درس زندگی باور دارد؛ بنابراین، رابطه‌ای مطلوب را نسبت به پیرامون خود ترسیم می‌کند.

در این رابطه‌ها در غرب مادی‌زده شاهد انقطاع عالم زمین با دیگر عوالم هستیم. این عالم بدون خدا فرض شده و انسان به‌عنوان جایگزین خدا و طبیعت خدایی محور تبیین‌پدیدارها قرار گرفته است؛ بنابراین، در نگاه و انگاره‌های غرب ارتباطی منطقی بین انسان با خود و خدا وجود ندارد. حال باید پرسید که با نگاه تکاثری مبنا و محور ابعاد انسانی چه خواهد بود؛ به نظر پایه و اساس وجود انسان بر پایه طبیعت یا همان اقتصاد است و شهوت دایر مدار تمام کنش‌های انسان خواهد بود. انسان در این میان به مفاهیمی از جنس سیاست اقتصادی، فرهنگ اقتصادی و اجتماع اقتصادی دست می‌یابد. همه‌چیز حول مادیت، شهوت و در کل عالم تغییر می‌چرخد. چهار ارتباطی که انسان می‌تواند در برابر محیط خود اتخاذ کند عبارت‌اند از (رمضانی و گودرزی، ۱۳۹۱: ص ۲۴):



شکل ۶. روابط اربعه انسان با محیط

جریان افراطی تکفیری نیز با روی آوردن به ابعاد متکثر بشری به دنبال خشونت و شهوت قدرت است و برای تجزیه کردن جهان اسلام دست به هر اقدامی می‌زند. با فرض قبول چنین ارتباطی بین انسان و محیط، اسلام در تعیین لایه‌های مختلف فرهنگ نوعی مطلوبیت را توصیه می‌کند و در سه لایه مبانی، ارزش‌ها، بایدها و نبایدها، ساختار و نظام مطلوب و در نهایت، رفتار صحیح طرحی را بیان می‌دارد که موجب اتحاد ذاتی بین اجزای سیستمی نظام اعم از اقتصاد، فرهنگ، اجتماع، سیاست و امنیت با محوریت فرهنگ اسلامی خواهد شد.

در نگاه غربی، آنچه به عنوان اصل انکارناپذیر و غیرقابل تغییر و خطوط قرمز مدرنیته قرار گرفته است اصل بودن اقتصاد و طفیلی بودن دیگر ساحت‌های بشری است. اقتصاد و طبیعت دارای دو وجه اصلی تکاثر و تغییر است و تجزیه کردن امور منسجم با روی آورد اتمیستی به مثابه یک اصل در مکاتب غربی قرار دارد. در این روی آورد فیزیک و فیزیکالیسم و کالبد و جسمانیت بشر حرف اول و آخر را می‌زند که بر مبنای آن، همه موجودات در جهان، فیزیکی هستند و هیچ چیزی ورا و بیش از امور فیزیکی وجود ندارد (Dowell, 2006: p 1)؛ اموری که صرفاً مادی هستند و با قواعدی که در حوزه معرفت‌شناسی با محدود کردن توان عقل در حوزه متافیزیک و مفهوم‌سازی به شناخت نائل می‌آید، اموری که توصیف و تبیین و تشریح آن‌ها به واسطه دستگاه مفهومی زبانی صورت می‌پذیرد که مبتنی بر مشاهدات بین‌الذهانی باشد (Feigl, 1969: p 54).

در سوی دیگر، اسلام با رویکرد کل‌گرایانه به دنبال وحدت سیستمی جهان اسلام است و با ارجاع دادن انسان‌ها به امور فطری، که یکتاست، و نیز اصولی که بر پایه توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد و کتاب قرآن در لایه مبانی و نیز رفتار عبادی در فروع دین، که ذاتاً وحدت‌گرایی را دنبال می‌کند، احاد مسلمین را از هر نوع تفرقه بر حذر می‌دارد.

مبانی معرفتی اسلام در سه حوزه هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه دارای وحدت فطری است و انسان با قرارگرفتن در محور هستی ضمن قائل‌شدن به ذومراتب بودن عوالم هستی، در حوزه معرفتی نیز به دنبال حقیقت علم که ذومراتب و تشکیکی است و در صراط مستقیم واحد است و در نهایت، در ابعاد وجودی خویش نیز که عبارت‌اند از کالبد جسمانی، فکر و روح و روان به دنبال وحدت وجودی خواهد بود. انسان مسلمان به میزان قُرب به جمعیت و وحدت وجودی به مبادی فطری و خلقت خویش نزدیک و به میزان بُعد از وحدت، به جعل نظام هستی می‌رسد.

۲-۴. عدالت و کاهش فقر اقتصادی و جهل معرفتی

وحدت و دیگرخواهی و انطباق کامل بین اجزا نشان از ضمیر «ما» دارد و تباین و میل به گریز از مرکز نشان از ضمیر «من» خواهد داشت و برای رسیدن به انطباق باید عدالت سیستمی برقرار باشد و اعتماد بین اجزا وجود داشته باشد. عدالت در رسیدن به امر واحد در صورتی میسر خواهد شد که انسان از منیت و دوئیت خارج شود و در مسیر و صراط حق قرار گیرد. تکاثر موجب شکل‌گیری جریان خودخواهی، خودبینی و خودبرتربینی در فرد یا جریان فکری غرب و تکفیر می‌شود. انسانیت که از شیطان شروع شده است در سیر خلقت و تاریخ بشریت در سرشت انسان‌ها نهفته است. منصب و مقام، پول و ثروت، خون، نژاد و مذهب و غیره که وجه ممیزی بین افراد بشری است به‌عنوان یک امر عرضی و جعلی بر ذات وحدت‌گرای انسان پوشش می‌زند و خدا، قرآن، انبیا، ائمه و غیره را در حاشیه قرار می‌دهد. در این فرایند تقوا که میزان برتری انسان‌ها در نسبت‌سنجی با یکدیگر فرض می‌شد، جای خود را به مؤلفه‌های عرضی می‌دهد و این امر موجب اختلاف و تفرقه می‌شود و سیر استعلایی انسان‌ها را به سوی قهقرا و امور دانی می‌کشاند.

غرب با تعریف نادرست مرکز-پیرامون خود را خدای عالم می‌داند و اندیشه‌ها و مذاهب دیگر را به‌عنوان بربر و بندگانی پست می‌شناسد. در این راستا و برای یافتن جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل رو به سوی راهبرد اختلاف و شکاف بین اجزای سیستمی می‌آورد. پیرامون و حاشیه، طبق قواعد مرسوم فیزیکی و زیست، همیشه با کمترین برخورداری همراه هستند. در بین اجتماع انسانی هم به دلیل حاکم‌بودن نگرش مرکز-پیرامون اجزای مختلف، قاعدتاً آن‌ها که به سرچشمه‌های ثروت [انرژی] و قدرت [اطلاعات] دسترسی دارند، خدمات بهتر و بیشتری دارند. انتشار درست انرژی و اطلاعات در اندام‌واره یک سیستم موجب شکل‌گیری جریان عدالت و در نتیجه، اعتماد اجزای دور و نزدیک به هسته مرکزی خواهد شد.

عدالت و امنیت رابطه متقابل با یکدیگر دارند؛ یعنی امنیت زمینه دادگرایی و توازن بخشی و دادگرایی و توازن بخشی، زمینه امنیت است؛ بنابراین، امنیت در پرتو عدالت پدید می‌آید. هرکس می‌تواند نیازهایش را از شیوه‌های عادلانه تأمین کند و هیچ مقام اقتصادی و اجتماعی نمی‌تواند به دیگران ستم روا دارد، آرامش و امنیت واقعی در سیستم پدید می‌آید و انسان‌ها از احساس برابری و برادری سرشار می‌شوند. در این موقعیت جامعه اسلامی به استواری و انسجامی پولادین می‌رسد. انسجام که برآیند آگاهی، اعتماد و مشارکت‌جویی آحاد جامعه اسلام است از عدالت ناشی می‌شود.

کشورهای سلطه‌گر با بهره‌گیری از راهبردهای فشار بر روی دولتمردان و تصمیم‌گیران یک کشور، موجب تغییر رفتار آن‌ها به سمت اهداف خود می‌شوند. نظام‌های سست‌بنیان و متکثر در برابر کوچک‌ترین فشار بیرونی، در درون خود دچار شکست می‌شوند. شکاف ایجادشده بر اثر ظلم و بی‌عدالتی، بهترین راه نفوذ کشورهای قلدر جهان خواهد بود و اما کشورهایی که دارای انسجام درونی باشند و حول ارزش‌های مشترک قابل‌ابتنا جمع شده باشند، طبق سنت الهی نفوذناپذیر خواهند بود. امیرالمؤمنین، علی (علیه‌السلام)، در خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه چه زیبا فرموده‌اند که «بهترین مردم کسانی هستند که راه میانه [مسلمانان] را برگزیدند، پس همراه آنان باشید، همراه جماعت بزرگ‌تر؛ زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه حذر کنید، زیرا کسانی که از جماعت کناره می‌گیرند، طعمه شیطان‌اند؛ مانند گوسفندی که از گله جدا می‌افتد و گرگ او را برمی‌درد» (رمضانی و مهرداد، ۱۳۹۷: ص ۱۵۹).

انسان‌های مستعد باید طبق سنت اسلامی در یک اجتماع و وحدت مثال‌زدنی رو به سوی تعالی گام بردارند. وحدت و اجتماع موجب هم‌راستایی نیرو و توان می‌شود و نتیجه تفرقه چیزی جز پراکندگی انرژی و هدررفت منابع نخواهد بود: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران: ۱۰۳). اولین کسانی که به‌طور گسترده آدمیان را به اجتماع دعوت کردند و به‌طور مستقل به حفظ و اداره انسان‌ها توجه داشتند، پیغمبران بودند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ص ۸) و شعار اصلی آن‌ها حول دو مفهوم توحید و عدالت بود.

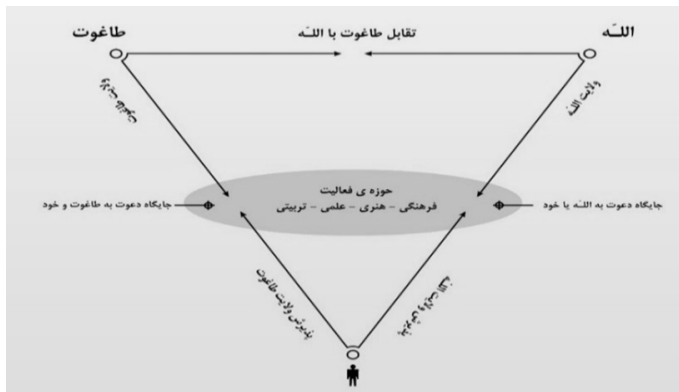
انسان مستعد همچون انرژی متراکمی است که اگر برای آن راه خروجی مانند کار و شغل در نظر گرفته نشود، عامل آشوب سیستمی خواهد شد. جریان تکفیری بر اثر بیکاری و عدم اشتغال و در نتیجه فقر افراد بستری مناسب را برای رشد اندیشه‌ای خود با کمترین هزینه به‌دست آورد. سیستم‌ها برای ورود هر انرژی باید یک یا چند خروجی در نظر بگیرند تا موجب آشوب و فساد

درونی نشوند. آشوب، به دلیل انرژی‌های مازاد و فساد، به لحاظ نبود خروجی موجب خودخوری سیستمی می‌شود (رمضانی و مهرداد، ۱۳۹۷: ص ۳)؛ بنابراین، عدالت در مدینه فاضله خواهی نصیرالدین طوسی، همان عدالت افلاطونی و فارابی است و تحقق آن وابسته به این است که هر کس برحسب شایستگی در پایگاه راستین خود جای گیرد و به کاری پردازد که با سرشت و استعداد او سازگار باشد. هیچ‌کس نباید بیش از یک پیشه داشته باشد؛ زیرا طبایع مردم اقتضا می‌کند که به کاری که شایسته آن هستند، پردازند (اصیل، ۱۳۷۱: ص ۱۲۰).

عدالت مانع شکل‌گیری جریان افراطی تکفیری و اختلافات مذهبی می‌شود. خواجه نصیرالدین طوسی در اهمیت عدل و اعتدال می‌گوید: «اعتدال ضلّ و وحدت است... و اگر اعتدال نبود، دایره وجود به هم نرسیدی؛ چراکه تولد جامدات، نباتات و حیوانات از عناصر اربعه مشروط است به امتزاجات معتدل... (طوسی، ۱۳۷۳: ص ۲۴۸) و «اشارات بدین معنا است قول صاحب شریعت علیه‌السلام، آنجا که گفته است: "بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ"» (همان: ص ۱۴۷)؛ بنابراین، نظام خلقت مبتنی بر عدالت است «زیرا هرچه آن را نظامی بود، به وجهی از وجوه، عدالت در او موجود بود؛ والا مرجع آن، با فساد و اختلال باشد» (همان: ص ۱۳۲).

۳-۴. ولایت؛ اصل وحدت‌بخش اسلامی

سیستم به‌هم‌پیوسته اسلام که صدر و ذیل و طول و عرض آن دارای وحدت ذاتی است و حول محور و ثقل ولایت در حال گردش است، از جمله سیستم‌های نفوذناپذیر محسوب می‌شود. تنها راهبردی که می‌تواند غرب را در رسیدن به اهداف شومش یاری رساند، راهبرد «اختلاف انداز و حکومت کن» است؛ چراکه در این راهبرد اجزای سیستمی به چندصدایی می‌رسد و وحدت به کثرت تبدیل می‌شود و طبق قانون فیزیک با انتشار نیرو در چند جهت و عدم تمرکز بر یک نقطه، شاهد تضعیف نیروی واحد خواهیم بود. با ایجاد شکاف و دوقطبی شدن، نیرو و توان درونی تقسیم بر دو می‌شود و این موضوع با کوچک‌ترین فشار بیرونی موجب درهم‌شکستن اجزای درونی اسلام خواهد شد. عدالت با محور ولایت عامل انسجام داخلی و بالابردن میزان مقاومت، تاب‌آوری و ایستادگی سیستم در برابر فشارهای بیرونی است. در ترسیم بینش و بصیرت آحاد کشورهای اسلامی با محور قراردادن «توحید» به دنبال وحدت بین اجزای فردی، اجتماعی و طبیعی است و این وحدت نیز فقط ذیل ولایت امکان‌پذیر است.



شکل ۷. انسان در بین الله و طاغوت

طبق منظر قرآن کریم، ولایت به دو ساحت غایت‌الله و طاغوت تقسیم می‌شود. پذیرش ولایت‌الله موجب شکل‌گیری نهادها، شوراها و دستگاه‌ها می‌شود و غایت‌حرکت انسان به «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر: ۲۹-۳۰) ختم خواهد شد؛ در مقابل، با پذیرش ولایت طاغوت و نظم مکانیکی، که در غرب شاهد آن هستیم، در ارتباط با اجزای سیستمی ایجاد می‌شود که نهایت و غایت آن جهنم خواهد بود: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷).

ولایت در بحث مبادی فقهی و کلامی اسلام به معنای سرپرستی است و در این معنا، ولایت شامل ولایت تکوینی و تشریحی می‌شود. ولایت تشریحی نیز خود به دو بخش ولایت بر محجوران و ولایت بر جامعه خردمندان تقسیم می‌شود. ولایت فقیه نیز ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی و شکوفاتر کردن استعدادها و افراد جامعه و رساندن آنان به کمال و تعالی درخور خویش صورت می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۱۳۴). ولایت به مثابه ثقل و هسته مرکزی منظومه مسلمانان عمل می‌کند که با داشتن جاذبه، که عبارت از نور معرفت و حرارت ایمان است، موجب قرارگرفتن اجرام اسلام بر روی مدارهای مشخص شده خود خواهد شد. ولایت فقیه جامع نفوذ بر قلب و عقل و قدرت دوام کالبدی جهان اسلام است. او در سلسله مراتب ولایت تکوینی و تشریحی از خدا به رسول (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) اولی به انفس، اهل و مال مسلمانان است. سیاست، اجتماع و اقتصاد جهان

اسلام باید حول محور فرهنگ ولایی قرار گیرد تا این وحدت راه نفوذ غرب را برای ایجاد اختلاف ببندد.

۵. نتیجه‌گیری

فطرت بشری بر محور کوثر و وحدت سرشته شده است. هر نوع تفرقه و جدایی خلاف جریان فطری بشر فرض و از منظرگاه اسلام کاملاً طرد می‌شود. جریان افراطی تکفیری که با دسیسه‌های غرب با پرورش عناصر مزدور و با بهره‌گیری از دو آسیب جهل معرفتی و فقر زیستی مسلمانان در منطقه غرب آسیا شروع به رشد و گسترش کرده است نیز از این قاعده مستثنا نیست. جریان تکفیری خلاف جریان فطرت با راهبرد اختلاف انداز و حکومت کن غرب، به دنبال برهم‌زدن انسجام داخلی جهان اسلام در منطقه شکل گرفته است. این جریان با پشتیبانی اطلاعاتی غرب و انرژی سعودی به زیست بیمارگونه خود ادامه داد و به نیابت از ایادی شیطان به نبرد با مسلمانان و دیگر ادیان پرداخت. این جریان در حوزه مبنایی با مکاتب و مبادی فکری غرب دارای سنخیت و تجانس فراوانی است، از جمله رویکرد تجزیه‌گرایانه و اتمیستی که نگاه از تکاثر دارد.

تنها راه برون‌رفت از جریان تکاثری غرب و جریان تکفیری به‌عنوان نماینده و نایب آن در منطقه، کوثر وحدت بین مسلمانان است. کوثر وحدت در سایه‌سار دوری‌جستن از جوه ممیزی و روی آوردن به امور مشترک میسر خواهد بود، اما مقدمه آن باید با رویکرد جراحی سیستمی به ازین‌بردن ریشه‌های فکری جریان تکفیری در منطقه اقدام کند. سه ضلع راهبردی برای ایجاد وحدت بین جوامع اسلامی را رجوع به فرهنگ به‌ویژه در مبنایی و ارزش‌ها، احیای عدالت در راستای جهل‌زدایی معرفتی و فقرزدایی زیستی و نیز قرارگرفتن تمام اجزای سیستم امت اسلامی حول محور امام و ولایت معرفی کردیم.

هرچند راهبردهای برخورد با جریان تکفیری متنوع است، در این نوشتار سعی کردیم از رویکرد تهدیدمحور عبور کنیم و با رجوع به درون، به برطرف‌کردن آسیب‌های درونی جوامع اسلامی پردازیم؛ بنابراین، باب برای تبیین و توضیح جریان افراطی و تکفیری برای محققان باز است و راهبردهای آن در سیر شناخت این عامل بحران‌ساز از سوی سیستم‌های امنیتی و دفاعی قابل بحث و بررسی است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه. ۱۳۸۰. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه انتشارات مشهور. چاپ یازدهم.
۳. آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۷۹. فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی.
۴. آل شیخ، عبدالرحمن بن حسن. ۱۴۱۲ق. فتح المجید (شرح کتاب التوحید). تحقیق محمد حامد الفقی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. ۱۹۷۱. درء تعارض العقل و النقل. جلد ۱. تحقیق رشاد سالم. جمهوریة العربیة المتحدة: دارالکتب.
۶. _____ ۴۳۰ق. العقیده الحمویه الكبرى. جده: دارالمنهاج. چاپ اول.
۷. اجلالی، پرویز. ۱۳۷۹. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران. تهران: نشر آن.
۸. ازهری، محمد بن احمد. ۱۴۰۴ق. تهذیب اللغة. جلد ۱۰. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
۹. اسدآبادی، سید جمال‌الدین؛ عبده، محمد. ۱۴۲۱ق. العروة الوثقی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. چاپ دوم.
۱۰. اصیل، حجت‌الله. ۱۳۷۱. آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی. تهران: نشر نی.
۱۱. افتخاری، اصغر. ۱۳۸۵. کالبدشکافی تهدید. تهران: انتشارات دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی.
۱۲. امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۳۷۹. صحیفه امام. جلد ۱. ۳. ۵. ۶ و ۱۴. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره). چاپ دوم.
۱۳. امین، احمد. بی‌تا. زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. ایران‌پناه، اکبر. ۱۳۸۵. فرهنگ فارسی به انگلیسی. تهران: انتشارات زبان‌پژوه.
۱۵. باقی، عمادالدین. ۱۳۹۳. «تبری ابن تیمیه از گروه‌های تکفیری و تروریسم». مجله مهرنامه. سال پنجم. شماره ۳۷.
۱۶. البوطی، رمضان محمد سعید. ۱۳۷۵. سلفیه بدعت یا مذهب. ترجمه حسین صابر. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۷. پرتوی، پروین. ۱۳۸۷. پدیدارشناسی مکان. تهران: هنر. چاپ اول.
۱۸. پیغان، نعمت‌الله. ۱۳۸۰. «امت واحد؛ از هم‌گرایی تا واگرایی». فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۱۵.

۱۹. التمیمی، محمدبن عبدالوهاب. ۱۳۷۵ق. کشف الشبهات. قاهره: المطبعة السلفية.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸. ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت. تنظیم و ویرایش محمد محرابی. قم: مرکز نشر اسراء.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۴۱۰ق. الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه. جلد ۲. بیروت: دارالعم للملایین.
۲۲. دارتینگ، آندره. ۱۳۷۶. پدیدارشناسی چیست؟ محمود توالی. تهران: سمت. چاپ دوم.
۲۳. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۲۹ق. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم. چاپ اول.
۲۵. رمضان، حسین علی؛ الهبخش، علی؛ خدابنده، عیسی. ۱۳۹۳. مقدمه ای بر مطالعات فرهنگی. تهران: راه کمال.
۲۶. رمضان، حسین علی؛ گودرزی، غلامرضا. ۱۳۹۱. راهنمای پژوهش. تهران: پژوهشکده دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).
۲۷. رمضان، حسین علی؛ مهرداد، فرزانه. ۱۳۹۷. جملات قصار. ترجمه به انگلیسی علی گراوند. تهران: انتشارات سخنوران.
۲۸. روح الامینی، محمود. ۱۳۶۵. زمینه فرهنگ شناسی. تهران: انتشارات عطار.
۲۹. سبحانی، جعفر. ۱۳۸۸. وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. ستوده، غلامرضا. ۱۳۶۵. در شناخت اقبال. مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت علامه اقبال. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.
۳۱. السعید، ناصر. ۱۳۶۰. از کجا تا به کجا خاندان سعودی را بشناسیم. ترجمه ابومیشم. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی الغدیر.
۳۲. سید قطب. ۱۳۸۸. عدالت اجتماعی اسلام. ترجمه محمد علی گرامی و سید هادی خسروشاهی. تهران: انتشارات کلبه شرق.
۳۳. شرف الدین، عبدالحسین. ۱۳۸۵. اجتهاد در مقابل نص. ترجمه علی دوانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. شرفی، حسین. ۱۳۷۲. «ناهنجاری های جهان اسلام از دید سید جمال الدین اسدآبادی». ویژه نامه حوزه. شماره ۵۹-۶۰.

۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۸۷. روابط اجتماعی در اسلام. به کوشش هادی خسروشاهی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۶. طوسی، خواجه نصیرالدین. ۱۳۷۳. اخلاق ناصری. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: انتشارات خوارزمی. چاپ پنجم.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۰ق. کتاب‌العین. جلد ۵. قم: دارالهجره. چاپ دوم.
۳۸. فروم، اریک. ۱۳۷۹. فراسوی زنجیرهای پندار. ترجمه دکتر بهزاد برکت. تهران: انتشارات مروارید.
۳۹. کرایب، یان. ۱۳۸۱. نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
۴۰. مالکی، حسین بن فرحان. ۱۳۷۸. مبلغ نه پیامبر. ترجمه سید یوسف مرتضوی. قم: نشر ادیان. چاپ دوم.
۴۱. مجتهد شبستری، محمد. ۱۳۷۹. هرمنوتیک، کتاب و سنت. تهران: طرح نو. چاپ چهارم.
۴۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۱. نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر. تهران: انتشارات صدرا.
۴۳. موثقی، احمد. ۱۳۷۵. استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام. جلد ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ دوم.
۴۴. موسوی گرمارودی، ابوالفضل. ۱۳۸۶. بانوی بانوان. قم: دلیل ما.
۴۵. نحوی، محمدباقر. ۱۳۸۶. فاطمه (س)؛ تجلی غیب. تهران: انتشارات علم.
۴۶. هامفری. ۱۳۸۶. خاطرات مستر همفر. ترجمه علی کاظمی. قم: انتشارات اخلاق. چاپ چهارم.
۴۷. هلزی هال، لوئیس ویلیام. ۱۳۶۹. تاریخ و فلسفه علم. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: انتشارات سروش.
۴۸. هایدگر، مارتین. ۱۳۸۰. درآمدی بر وجود و زمان. ترجمه منوچهر اسدی. آبادان: نشر پرسش.
۴۹. یاسپرس، کارل. ۱۳۶۳. کنفوسیوس. ترجمه احمد سمیعی. تهران: انتشارات خوارزمی.
50. Dowell, J.L. 2006. "Formulating the Thesis of Physicalism: An Introduction". Philosophical Studies. Vol. 13.
51. Feigl, H. 1969. The "Mental" and the "Physical": The Essay and a PostScript. Minneapolis: University of Minnesota Press.

52. Onuf, Nicholas G. 1989. **World of our Making: Rules AND Rule in Social Theory and International Relations**. Colombia: University of South Carolina Press.

